



جدایی دین از سیاست

The separation of religion from politics

بنام خداوند جان و خرد

دکتر بهرکامجو

دین و آئین ، باور و نگرش انسان از جهان خلقت و آفرینش است. دین کلیتی از اعتقادات و جهان بینی ایست که با تفسیر و تعبیر پدیده ها ، رویداد ها ، نمود ها و تجلیات بود در دائره هستی ، عقیده و عمل انسانها رابه ارزشهای مادی و معنوی ، پیوند ربوبیت می دهد.

سیاست ، رویکرد اجرایی بیان متر اکم اقتصاد و فرهنگ و تدابیر امور اجتماعی ، برای مردم یک جامعه است . تکلیف آن ، تأمین آسایش اجتماعی ، صلح و امنیت ، آزادی و همبستگی ملی می باشد.

این دوسامانه ای « **دین و سیاست** » که دارای ماهیت ، خواست و آرمان متفاوت از همدیگر اند ، به نسبت همین تخالف اندیشه و آرمان ، هیچگاهی نمی توانند در یک ساختار حاکمیت سیاسی قدرت و اداره دولتی ، کنار هم کار و فعالیت مشترک نمایند . زیرا هر کدام تلاش می ورزد که جانب مقابل را تابع مطلق خود سازد . با تأسف که در کشور ما سالیان پیش این اتفاق افتیده است. دین و رهبران دینی بادل بستگی ای که به قدرت و مادیت دارند ، بدون چون و چرا در خدمت حاکمان دولتی قرار گرفته اند و در همه جنایات نابخشودنی دولت سهیم می باشند .

مبتنی بر این اصل ، طرح راهبرد سیاسی « جدایی دین از سیاست » ، از یکسواساسی ترین گام عاقلانه برای نگهداری قدسیت خود دین تلقی می شود و از جهت دیگر ایجاد کننده زیرساخت های جامعه مدنی ، نهادینه سازی آزادی و امنیت سراسری درکشور بشمار می آید . عملی شدن این برنامه انسانی ، زمینه رشد متعادل حقوقی همه ساختار ها و هنجارهای فردی و اجتماعی جامعه را برمسیر بنیاد ذاتی خود آنها سازگاری می سازد .

کنه نهادین رویکرد جدایی دین از سیاست ، دربینش حرمت شناسانه آن از کرامت انسانی ، مصونیت حقوقی ، آزادی حق انتخاب و سایر ارزشهای حقوق مدنی نهفته است . گسترش اندیشه آزاد ساختن انسان و حقوق فردی وی (از گرو پندار های تفسیری و تعبیری خودساختی رهبران دنیا پرستی که عاشق قدرت ، مادیت و شهوت اند) ، یکی از رسالت خداشناسانه و حقگرایانه انسانهای پاکیزه نفس می باشد .

انسانهای که خوشبختی و سعادت هر خانواده ، زن و مادر ، خواهر و برادر و شهروند خود را با جان و وجدان ، گوشت و پوست خود لمس و حس می کند . و در جهت تأمین چنین آرمان مقدس انسانی تلاش اخلاقی می نماید .

شوربختانه که درکشور ما قدسیت و روح پاکیزگی دین بوسیله اعمال جنایتکارانه دولت و رهبران دولتی و گروه طالبان هراس انگیز - آسیب دیده ، و اذهان و باور مردم را در برابر آن خدشه دار و بی اعتناء ساخته است . باتأسف که دین در چشم نهان مردم حکم یک شمشیر فولادین بی غلاف را بخود گرفته و همه روزه در دست حاکمان قدرت بانیت کور ، چپ و راست گردن می برد .

باید این دین و آئین را از چنگال بدخواهانه ای جانیان و خاکفروشان وابسته بغیر از هردو جبهه طالب و دولت بیرون کشید . تا در فرآیند زمان ، در اذهان و باور مردم و در دایره اشکال شعور اجتماعی جامعه ، جای شایسته خویش را دوباره باز یابد .

ما آگاهیم که رهبران مذهبی در رویکرد گسترش دین ، از انسان تابعیت بی چون و چرا می خواهند . آنها به این عقیده اند که هنجارهای زندگی جامعه ، از آموزش و پرورش تا سلوک و رفتار اخلاقی ، تفکر و اندیشه ، هنر و فرهنگ ، سیاست و اقتصاد ، امور خانواده و ده ها تدابیر سیاسی و اجتماعی دیگر همه بایستی تابع مطلق دین باشند .

در این نوشته ، ما به رد و تائید رویکرد گسترش اندیشه دینی رهبران مذهبی کاری نداریم . زیرا می دانیم که دین درکشور ما برای تحقق و دسترسی به اهداف خویش یقیناً شانس مبارزه ندارد . و سالهاست که دین در این سرزمین همچو عروسکی در دستان ناپاک رهبران دولت قرار داشته و به بازی سیاسی گرفته می شود .

دولت هر جنگ و جنایتی را که مرتکب می شود ، با نیرنگ و مردم فریبی در لباس تدلیس دینی و به داوری و پشتیبانی مستقیم رهبران خود فروخته ای مذهبی ، ، گویا خویشتن را برأت می دهد .

اگر این سلاح دینی را از دست حاکمان بی دیانت و بی دین ، بیرون کشیم . آنگاه ما در فرآیند زمان ، جان هزاران هزار انسان خداپرست را نجات می دهیم .

بنام دین و دفاع از دین ، همین حاکمان فاسد و بی رحم بودند که یک دیندار را بنام طالب تربیه کردند ، دیگری را بنام مدافع دولت ، هردویی این دو مومن و برادر و همشهری را در جنگ های سازمان یافته ای نیابتی به میدان نبرد کشانندند ، قتل عام نمودند و جامعه را به قبرستان تبدیل کردند .

نزدیک به یک قرن می شود که درکشور ما دین مستقیماً در خدمت دولت قرار دارد و از کدام استقلالیتی نسبی هم برخوردار نیست . ما منکر این مسئله تاریخی نیستیم که قبل ازین هم در زمانه های پار دین

منحیث حمایه کننده قدرت سیاسی ، در اختیار شاهان و فرمانروایان قرار داشته است. مگر در سده اخیر و بویژه چهل سالی که گذشت خود شاهد آن بودیم که دولت ، احزاب و گروه های بزرگی از رهبران چپ گرا و راستگرای جامعه ما متهورانه از دین در پیشبرد اهداف سیاسی خویش استفاده سوء کردند.

با ادای ادب به شهروندان سرزمین خورشید و مکانگاه دانش و معرفت متذکر باید شد که ، شما میراث داران و جانشینان حضرت امام اعظم ابوحنیفه (پیشوای یک میلیارد مسلمان سنی در سراسر جهان) ، عبدالله محمد بخاری (مؤلف « صحیح بخاری » معتبرترین کتاب حدیث نزد اهل سنت پس از قرآن در سراسر جهان) ، محمد غزالی (همه چیزدان ، فیلسوف ، فقیه و متکلم اسلام در سراسر جهان) ، سنایی غزنوی (صوفی و عارف وارسته ، خدانشناس ، آموزگار معرفت وحدت وجود حوزه تمدنی قاره کهن) ، عطارنیشابوری (عارف بلند مرتبه ، خدانشناس و آموزگار معرفت وحدت وجود) ، فخر رازی (فقیه ، متکلم ، فیلسوف ، مفسر و خدانشناس و حکیم توانای حوزه تمدنی قاره کهن) ، نصیرالدین توسی (همه چیزدان ، فیلسوف، متکلم ، فقیه ، خدانشناس ، ستاره شناس ، اندیشمند ، پزشک حوزه تمدنی قاره کهن) ، مولانای بزرگ ، ملا صدرا بزرگ - و ده ها پیشوایی خردمند دیگر دین و آئین - می باشید .

افسوس و دردا ! که با این همه پسافت ارزشمند ایمان داری و خدانشناسی نیاکان ما ، باز هم فرد ناآگاهی بنام رئیس جمهور برخاسته از دامان قبیله ، که هنوز مناسبت های گوهری شناخت ، میان خداوند و اهل بیت را نمی داند ، اما وی در زیر سایه نهادهای سرمایه جهانی براریکه قدرت تکیه می زند و برای چنین یک مردم با فرهنگ پُر معرفت و با ایمان ، فرمان دینی می دهد .

او مردم شریف باید با دو چشم باز و عاقلانه به کارکرد های سیاسی حکومت دزدان ، چپاولگران و قاتلان مردم ما اندیشه کنید. دولت قبیلوی واپسگرا با استفاده مرکب از **تداخل دین با سیاست** و تداوم جنگ و جنایت ، انفجار و خودکفانی بوسیله طالبان خودساخته ایشان ، دارد که صلح و آزادی ، هویت فرهنگی ، زبانی ، تاریخی و ده ها ارزشهایی که هست و بود ، غرور و وقار مردم ما بر آن بستگی دارد، یکی پی دیگری در برابر چشمان تان نابود می سازد .

بناً پیشکش برنامه « **جدایی دین از سیاست** » در کشور ما مبتنی بر مسائل گفته شده فوق ، دارای اهداف کلی ذیل می باشد.

در قدم نخست : رهایی دین از زندان حاکمیت سیاسی دولت قبیلوی و نهاد های سرمایه جهانی ، جهت نگهداری جوهر پاکیزگی دین از آلودگیهایی سیاسی و مادی ،

در قدم دوم : کوتاه ساختن دست عتاب برخی رهبران دینی زیر نام « **حجاب و عورت** » ، از حریم پاک کرامت و نجابت زن و مادر ،

و در فرآیند پسین : آزاد سازی انسان شهروند از « **تابعیت بی چون و چرای** » اندیشه های پاکیز در گُل کشور می باشد.

اجرای برنامه « **جدایی دین از سیاست** » وابستگی به فهم عقلانی مردم و بویژه خانمها ، از مفاهیم ارزشمند و انسانی این راهکار حق خواهانه دارد . و مردم میتوانند از راه همه پرسى با استفاده از حقوق و مسئولیت های شهروندی ، این برنامه را موفقانه عملی نمایند .

با ادای ادب از تمام شهروندان گرامی آرزو برده می شود که در نشر و گسترش و تحقق برنامه « **جدایی دین از سیاست** » سهم شایسته و دوراندیشانه خویش را اداء نمایند .

به توفیق خدا

